

استحکام بخشی ساخت درونی قدرت نظام ج.ا.ا.

با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری

مصطفی قربانی *

محمود پروانه **

چکیده

نگرانی از به خطر افتادن موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران به ویژه وجه انقلابی گری آن، ناشی از علل و عوامل مختلف از جمله آسیب پذیری اقتصاد ملی از تحریم های ضد ایرانی غرب و شکل گیری ایده حل مشکلات کشور از طریق مذاکره نزد برخی نخبگان، سبب تأکید بیش از پیش مقام معظم رهبری بر ایده «استحکام بخشی ساخت درونی قدرت» شد. از این رو در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا چیستی، چرایی و چگونگی این ایده از دیدگاه رهبر انقلاب بررسی شود. پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده و یافته های آن نشان می دهد، این موضوع از دیدگاه ایشان، معطوف به تقویت همه ابعاد قدرت نظام بوده و تأکید بر آن در برهه کنونی، ناظر بر چگونگی تداوم پیشرفت کشور در عین وجود فشارهای خارجی و ضرورت حفظ هویت انقلابی نظام است. ایشان تحقق این مهم را مستلزم انجام اقداماتی در دو سطح ساخت حقیقی و ساخت حقوقی نظام می دانند. در سطح ساخت حقیقی، همانا توجه به آرمان های اصلی و هندسه انقلاب اسلامی در سیاست گذاری و اقدام و در سطح ساخت حقوقی، همه عوامل و متغیرهایی که به تقویت کارآمدی نظام منجر می شود، مورد توجه ایشان است.

کلیدواژه ها: (سیدعلی) خامنه ای، استحکام، قدرت، ساخت حقیقی، ساخت حقوقی، انقلابی گری.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: dr.ghorbani91@gmail.com)

** مربی گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ع.ع.ع.)

مقدمه

در بحبوحه مواجه شدن کشور با تحریم‌های به اصطلاح فلج کننده دنیای غرب در سال ۱۳۹۰ و وجود برخی سوء مدیریت‌ها و غفلت‌های داخلی که کشور را با پاره‌ای معضلات روبرو ساخت، از میان نظرات مختلف، دو دیدگاه اصلی و رقیب، برای رفع معضلات پیش‌رو مطرح شد که البته هر یک دارای آبخشورهای متفاوت بوده و از قبل، با ورود امواج مدرنیته به کشور، نیز مطرح بوده‌اند؛ دیدگاهی که معتقد است با نگاه به درون و شکوفایی ظرفیت‌های بی‌شمار درون‌زای داخلی، در عین حفظ ارتباطات و تعاملات با دنیای خارج، می‌توان مشکلات موجود را حل کرد و دیدگاه دیگری که چاره مشکلات کشور را در برقراری ارتباط با دنیای غرب، اعتمادسازی، چندجانبه‌گرایی، تعامل سازنده با دنیا، گسترش حوزه مشارکت خارجی در اقتصاد کشور و در یک کلام، پیوستگی بیشتر به اقتصادی جهانی، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ و ... می‌داند. نماینده تمام‌عیار و رهبر پر قدرت دیدگاه اول در شرایط کنونی، مقام معظم رهبری است. در واقع، از دیدگاه ایشان، تنها راه ریشه‌کن کردن مشکلات پیش‌رو و مصون ماندن از تکانه‌های طبیعی و مصنوعی، نه در نگاه به بیرون؛ بلکه در تکیه به داخل و استفاده از ظرفیت‌های درون‌زای داخلی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23175>).

از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که استحکام‌بخشی ساخت‌درونی قدرت از دیدگاه مقام معظم رهبری، دارای چه مختصات و ضرورتی است و چگونه محقق می‌شود؟ ایشان استحکام ساخت‌درونی قدرت را راه‌حل اصلی مشکلات کشور می‌دانند و بر تقویت هم‌زمان عناصر حقیقی و حقوقی ساخت‌درونی تأکید دارند. استحکام‌بخشی ساخت‌درونی قدرت، به دلیل اهمیت ذاتی آن، مقوله‌ای بنیادین و اساسی برای نظام جمهوری اسلامی است که می‌تواند در سامان بخشیدن به همه ساحت‌های زندگی مؤثر باشد. از سوی دیگر، با توجه به شرایط پیش‌روی نظام، به‌ویژه با طرح دیدگاه‌هایی برای حل مشکلات کشور که در آن‌ها دال‌های هویتی و انقلابی جمهوری اسلامی به نفع تعامل با دنیا کم‌رنگ یا نادیده گرفته می‌شود، استحکام‌بخشی ساخت‌درونی برای آن، اهمیت و ضرورت مضاعف دارد.

۱. چیهستی استحکام ساخت‌درونی قدرت نظام ج.ا.ا.

«استحکام» در لغت به استوار شدن؛ استواری و استوار کردن امور معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷). از دیدگاه مقام معظم رهبری، استحکام ساخت‌درونی قدرت، مفهومی است که ناظر بر تقویت همه ابعاد و زمینه‌های قدرت است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35690>). در جای دیگری، ایشان به‌نوعی استحکام ساخت‌درونی را استحکام هم‌زمان سخت‌افزار و نرم‌افزار نظام می‌دانند و از آن به استحکام «ساخت حقوقی و ساخت حقیقی» تعبیر می‌کنند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>)؛ بنابراین استحکام ساخت‌درونی قدرت؛ یعنی شناسایی و ترمیم نقاط ضعف و آسیب‌پذیر قدرت ملی در ابعاد سخت و نرم‌افزاری به‌منظور مصون‌سازی آن در برابر انواع آسیب‌ها و تهدیدها. وجه دیگر استحکام ساخت‌درونی، تقویت تاب‌آوری و ارتقای ظرفیت‌های نظام است.

از جمله سؤال‌های مهمی که در تبیین استحکام‌بخشی باید بدان پاسخ داده شود، روشن ساختن مرز میان درون‌گرایی و برون‌گرایی است. این موضوع به‌ویژه از آنجا شایسته توجه است که استحکام‌بخشی، ابتدا به‌ساکن، مبتنی بر درون‌گرایی است؛ حال آن‌که اغلب از امکانات و ظرفیت‌های خارجی به‌عنوان عامل و محرکی برای توسعه نام برده می‌شود؛ بنابراین سؤال این است که در تلاش برای استحکام‌بخشی ساخت‌درونی، چگونه می‌توان از ظرفیت‌ها و امکانات خارجی بهره برد؟ باید گفت ارتباط تنگاتنگی میان مسائل سیاست داخلی و سیاست خارجی یک کشور وجود دارد (قوام، ۱۳۸۴: ۲۸۱)؛ یعنی بخشی از پیشبرد امور در هر کشوری منوط به استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در نظام بین‌الملل است؛ اما این، همه واقعیت برای پیشرفت یک کشور نیست؛ بلکه حتی کشورهایی بهتر توانسته‌اند از ظرفیت‌های نهفته در نظام بین‌الملل استفاده کنند که از نظر ساخت‌درونی قدرت از انسجام و استحکام لازم برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین اگر قرار است کشوری پیشرفت کند در درجه اول بایستی چشم به درون داشته باشد و همت خود را به شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های درون‌زای داخلی معطوف دارد. با این وجود، تمرکز بر درون، نافی استفاده از امکانات بین‌المللی نیست؛ بلکه در حرکت به‌سوی پیشرفت بایستی نگاه به درون باشد و استعدادها بی‌شمار درونی در اولویت توجه قرار گیرند؛ نه آن‌که هر آنچه مربوط به بیرون است نفی شود. مقام معظم رهبری در این زمینه اظهار می‌دارد:

... امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم ... نمی‌گوییم از این‌ها استفاده نکنید؛ اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید ...
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>)

بنابراین، ایده استحکام‌بخشی ساخت‌درونی در عین توجه به امکانات بین‌المللی و ضرورت استفاده از این امکانات، خواهان آن است که از این امکانات به‌عنوان ابزارهایی برای درون‌زایی استفاده کند، نه این‌که اولویت را به استفاده از این امکانات بدهد و از ظرفیت‌های درون‌زای داخلی غافل بماند؛ یعنی در نگاه معطوف به انسجام یافتن ساخت‌درونی، از ظرفیت‌ها و امکانات خارجی استفاده می‌شود؛ اما این استفاده نه با نادیده گرفتن استعدادها و ظرفیت‌های درونی است؛ بلکه از امکانات خارجی تنها با هدف کمک به درون‌زایی استفاده می‌شود.

در جمع‌بندی این بخش باید گفت با توجه به سیاق بحث حاضر، مفهوم استحکام‌بخشی ساخت‌درونی با مفهوم قدرت ملی و به‌ویژه قدرت درون‌زا ارتباط دارد. به این معنا که استحکام زمانی حاصل می‌شود که یک دولت نه‌تنها یکایک عناصر ساخت حقیقی و حقوقی آن و منابع قدرتش منسجم و کارآمد باشند؛ بلکه مجموعه این عناصر و منابع مکمل یکدیگر باشند. به عبارتی، قدرت یک کشور زمانی استحکام یافته تلقی می‌شود که از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از قدرت لازم برخوردار باشد و بتواند به نتایج مطلوب خود دست یابد. نکته مهم در این ارتباط آن است که چون استحکام‌یافتگی با قدرت و افزایش قدرت ارتباط دارد، به‌طور طبیعی افزایش قدرت صرفاً محدود به قابلیت‌های موجود نیست؛ بلکه خلق فرصت‌ها و مزیت‌های جدید و گشودن افق‌ها و پنجره‌های نوین نیز لازمه استحکام‌بخشی است؛ بنابراین در تعریف و مشخص ساختن حدود مفهوم استحکام‌بخشی قدرت باید به چند نکته اشاره کرد:

۱. استحکام‌بخشی مبتنی بر عناصر درونی قدرت است؛
۲. به مجموعه‌وارگی و ارتباط منطقی و تکمیلی عناصر درونی قدرت بستگی دارد؛
۳. محدود به امکانات داخلی نیست، به استفاده از امکانات بیرونی توجه دارد؛ اما استفاده از آن‌ها را صرفاً به‌منظور تقویت عناصر درونی مدنظر قرار می‌دهد؛
۴. مستلزم کشف افق‌های جدید، راه‌های نرفته و خلق مزیت‌ها و فرصت‌های نوین است.

۲. چرایی استحکام ساخت درونی قدرت نظام ج.ا.ا

استحکام بخشی ساخت درونی برای نظام جمهوری اسلامی مسئله اساسی و حیاتی است؛ یعنی برای نظام، مطلوبیت ذاتی دارد. علاوه بر این، با توجه به شرایط پیش روی این نظام، توجه به این مهم و پرداختن به آن، موضوعی عاجل محسوب می شود. مهم ترین دلایل تأکید بر استحکام بخشی ساخت درونی قدرت نظام برای جمهوری اسلامی در شرایط کنونی، عبارت اند از:

۲.۱. **پیش شرط توسعه بودن:** تقویت ساخت درونی از جمله بدیهیات اولیه برای مصون ماندن از تکانها و نوسانات بین المللی و لازمه غیر قابل انکار، برای پیشبرد امور هر حکومتی است. در واقع، عمده تمرکز در تحقق پیشرفت برای هر کشوری مبتنی بر ظرفیت های درونی آن کشور است. حتی تجربه برخی کشورها نیز مؤید این مسئله است، به گونه ای که در آغاز فرآیند توسعه در غرب، دولت های مطلقه نوساز در آن سامان شکل گرفت. این دولت ها که در تاریخ اروپای غربی کارگزار گذار از فئودالیسم به سرمایه داری بوده اند، شرایط لازم برای گسترش سرمایه داری، توسعه اقتصادی، نوسازی، عقلانی کردن نظام اداری و ... را فراهم کردند (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۷۱). حال اگر چه دولت مطلقه تجربه ای مربوط به اروپای غربی بوده است؛ اما نکته مهم در خصوص آن عبارت است از اینکه حتی این کشورها قبل از ورود به فرآیند توسعه، به استحکام بخشی ساخت درونی قدرت خود پرداختند و زمینه های لازم را برای نیل به توسعه فراهم کردند.

تجربه کشورهای تازه صنعتی شده (NICها) در زمینه توسعه، از نقطه نظر استحکام بخشی ساخت درونی و تأکید بر درون زایی، تجربه ارزشمندی است؛ این کشورها برای نیل به توسعه با در پیش گرفتن سیاست های مستحکم داخلی و جهت گیری برون نگر توانستند، جایگاه خود را در نظام بین الملل ارتقا دهند. به بیان دیگر، «تنظیم اقتصاد کلان، جهت گیری های نظر به خارج و سرمایه گذاری در نیروی انسانی همراه با ثبات سیاسی» در موفقیت این کشورها نقش اساسی داشته است. ضمن اینکه در موفقیت آنها، وجود دولت فعال، به معنای دولت بهتر و نه دولت گسترده تر، نیز نقش مؤثری داشته است (لیپیگر، ۱۳۷۵: ۴۹-۱۵). در واقع، این کشورها به جای ادغام کامل در اقتصاد جهانی، به «ادغام راهبردی» در آن پرداختند؛ یعنی

۱. New Industrialized Countries. هر چند تجربه همه این کشورها نیز موفقیت آمیز نبوده است و آنها با بحران ۱۹۹۷ متوقف شدند.

با هوشمندی و سیاست‌گذاری صحیح، از امکانات خارجی نه به‌عنوان بدیل امکانات داخلی؛ بلکه صرفاً به‌منظور تقویت ظرفیت‌های داخلی خود بهره بردند.

۲.۲. مقابله با دشمنی‌ها و خصومت‌ها: وجه دیگر ایده استحکام‌بخشی ساخت‌درونی، نقشی است که می‌تواند در خنثی‌سازی دشمنی‌ها و خصومت‌ها علیه نظام داشته باشد؛ زیرا ساخت‌درونی ضعیف، نقطه آسیب‌پذیری بوده و در مقابل، ساخت‌درونی مستحکم، «بزرگ‌ترین بازدارنده» است. مقام معظم رهبری در این باره اظهار می‌دارد:

... علاج مقابله با ... دشمنی هم فقط یک‌چیز است و آن، تکیه به اقتدار ملی و به توان داخلی ملی و مستحکم کردن هرچه بیشتر ساخت‌درونی کشور است [http://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=25363)].

ایشان همچنین معتقدند:

ما مطمئنیم که ساخت مستحکم نظام جمهوری اسلامی و اتحاد ملی و نزدیکی دل‌ها میان آحاد ملت، بزرگ‌ترین بازدارنده است. همه موظفانند این ساخت استوار و مستحکم را حفظ کنند و استحکام بیشتری به آن ببخشند (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17868).

۲.۳. اصلاح اعتقاد برخی نخبگان به نگاه به بیرون برای حل مشکلات کشور: مواجه‌شدن کشور با تحریم‌های به‌اصطلاح «فلج‌کننده» دنیای غرب به رهبری آمریکا، در کنار برخی سوء مدیریت‌ها و غفلت‌های داخلی، باعث شد کشور با معضلاتی روبرو شود که قرار گرفتن در چنین شرایطی، سبب شکل‌گیری ایده حل معضلات با نگاه به بیرون و به‌ویژه از طریق رفع تحریم‌ها در نزد برخی دولت‌مردان و نخبگان شد؛ اما مقام معظم رهبری با توجه دادن به تجربه این نوع نگاه در دولت‌های گذشته، بر مقوله تقویت ساخت‌درونی نظام تأکید داشته و درصدد است تا هم در مقابل ایده نگاه به بیرون برای حل مسائل کشور و هم در مقابله با تهاجمات خارجی و تهدیدات، بدیلی برای پیشرفت کشور ارائه کند.

۲.۴. حفظ هویت انقلابی و استقلال جمهوری اسلامی ایران: در نگاه معطوف به استحکام‌بخشی ساخت‌درونی، کارآمدی نظام اساساً با نگاه به درون و تقویت ظرفیت‌های درون‌زای داخلی تعریف می‌شود و از این‌رو، بر اساس این رهیافت، نظام اسلامی خود را مجبور به سرخم کردن در مقابل مستکبران و پذیرش شرایط ظالمانه حاکم بر نظام بین‌الملل نمی‌بیند؛ بنابراین در چارچوب مذکور

هم می‌توان به پیشرفت اقتصادی نائل شد و مشکلات پیش‌روی کشور را حل و رفع کرد و هم می‌توان به مواضع انقلابی خود پایبند بود.

توضیح آن‌که امروزه گفته می‌شود که چنان‌چه کشوری خواهان شکوفایی اقتصادی است، بایستی برنامه‌ریزی مستقل ملی برای مدیریت اقتصاد را کنار گذاشته و به مدارهای جهانی توسعه وصل شده و از امکانات خارجی بهره‌بردار (ر.ک: هتته، ۱۳۹۲)؛ یعنی اگر کشوری بر مقولاتی چون استقلال تأکید داشته باشد، نمی‌تواند در دستیابی به توسعه اقتصادی توفیق داشته باشد. ریشه این بحث از آنجا شکل می‌گیرد که اتصال به کشورهای پیشرفته غربی و پذیرش نسخه‌های بیرونی برای توسعه (ادغام در جهانی شدن) را شرط لازم و کافی برای توسعه می‌دانند و در این میان، عمدتاً از توجه به ظرفیت‌های درونی و ویژگی‌های ملی کشورها غفلت می‌شود. ایده استحکام بخشی ساخت درونی با ناکافی دانستن این گزاره، بر آن است که هم می‌توان شکوفایی اقتصادی داشت و هم می‌توان استقلال خدشه‌ناپذیر داشت. تجربیات برخی کشورها مانند چین نیز مؤید این نکته است که در عین برون‌گرایی، باید تکیه اصلی بر درون‌زایی باشد.

۲.۵. لازمه نقش‌آفرینی در آینده نظام بین‌الملل: برای جمهوری اسلامی ایران که خواهان ایفای نقشی گسترده‌تر و مؤثرتر در آینده نظام بین‌الملل است، ضروری است تا به تقویت و استحکام هر چه بیشتر ساخت درونی خود بپردازد. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران که خواهان دستیابی به جایگاه شایسته و مناسب در آینده نظام بین‌الملل است، می‌بایست به استحکام ساخت قدرت خود بپردازد؛ زیرا در سطح نظام بین‌الملل، تنها کشورهایی قدرتمند محسوب می‌شوند که ساخت قدرت آن‌ها مستحکم بوده و مبتنی بر پویایی‌ها و زایش‌های درونی باشد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>).

۲.۶. لازمه مواجهه با امواج جهانی شدن: برخلاف دیدگاهی که همه امور را در حال جهانی شدن فرض می‌کند و معتقد به ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های مستقل داخلی در عصر جهانی شدن است (به‌عنوان مثال ر.ک: حسین بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۵)، استحکام ساخت درونی بر آن است که بهره‌برداری از فرصت‌های جهانی شدن نیز منوط به سامان‌یافتگی درونی و استحکام بخشی ساخت درونی است. به عبارت دقیق‌تر، اگرچه جهانی شدن حاوی یک‌سری

فرصت‌های بالقوه است؛ اما تنها کشورهایی می‌توانند از این فرصت‌ها به‌طور مطلوب استفاده کنند که در درون از استحکام لازم برخوردار باشند؛ بنابراین به جای آن‌که خواهان ادغام در فرایندهای جهانی شده باشیم، ابتدا بایستی در درون به انسجام و استحکام لازم برسیم. در واقع، ایده استحکام‌بخشی ساخت‌درونی، در استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات بین‌المللی موسّع و بدون ملاحظه برخورد نمی‌کند؛ بلکه به‌جای ادغام صرف در فرآیندهای جهانی، خواهان آن است که دروازه‌های کشور تا آنجا به روی فناوری، تکنولوژی و سرمایه خارجی باز شود که منجر به حداکثر رساندن رشد اقتصاد ملی شود.

۳. چگونگی استحکام ساخت‌درونی قدرت نظام ج.ا.ا.

می‌توان در دو حوزه ساخت حقیقی و ساخت حقوقی، به راهبردهایی برای استحکام‌بخشی ساخت‌درونی نظام اسلامی اشاره کرد؛ زیرا ساخت‌درونی یک نظام زمانی مستحکم محسوب می‌شود که در هر دو حوزه مذکور به استحکام رسیده باشد.

۳.۱. استحکام ساخت حقیقی

مقام معظم رهبری ساخت‌درونی را همان آرمان‌های جمهوری اسلامی دانسته‌اند:

... ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است ... آن ساخت‌درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ این‌ها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>).

ایشان در بحث از «هندسه انقلاب اسلامی» به این ساخت اشاره می‌کند:

بر اساس سخنان امام علیه السلام، موضوع «مردم»، «استقلال کشور»، «تدین و پایبندی به مبانی اسلامی»، «مبارزه با استکبار و زورگویی»، «مسئله فلسطین»، «موضوع معیشت مردم» و «توجه به مستضعفین و رفع فقر» خطوط اصلی انقلاب هستند که از ترکیب آن‌ها «هندسه انقلاب» به دست می‌آید (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=32166>).

ایشان همچنین در تبیین معیارهای اصلی انقلابی‌گری به تشریح پنج شاخص عمده پرداخته است: «پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی»، «هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها»، «پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور»، «حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او» و «تقوای دینی و سیاسی». ایشان در تبیین شاخص اول، «اعتقاد به اسلام ناب

در مقابل اسلام آمریکایی» را اصلی‌ترین نکته این شاخص دانستند. همچنین «اعتقاد عمیق به محور بودن مردم»، «اعتقاد به پیشرفت، تحول و تکامل»، «حمایت از محرومان و اقشار ضعیف» و «حمایت از مظلومان جهان» را از دیگر مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی برشمردند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>).

بنابراین، پایبندی به ارزش‌ها، تقوا محوری و معنویت‌گرایی، نفی وابستگی و حفظ استقلال نظام، مردم‌باوری و مردم‌محوری، عدالت‌طلبی، استکبارستیزی، جهاد کبیر، تکامل‌گرایی و پیش‌روندگی و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان، عناصر استحکام‌بخش به ساخت حقیقی نظام هستند که در ادامه به توضیح و تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای این ساخت که به مثابه روح و متن انقلاب و نظام است، بسیار حیاتی بوده و هرگونه تغییر و تحول در آن، تغییر در ساحت‌های دیگر را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، عوامل پویایی، انسجام، تحرک و پایداری ساختارها و عملکردهای نظام، عمدتاً ریشه در این ساخت حقیقی دارد و از این‌رو، در تهاجم‌های متعدد دشمنان نظام، بیش از هر چیزی، ساخت حقیقی نظام مورد حمله قرار می‌گیرد.

۱.۱.۳. پایبندی به ارزش‌ها: تداوم یک جامعه و ایجاد همبستگی در آن، نیازمند تکوین هنجارها و ارزش‌های مشترک کلی است. از نظر پارسونز، نظام ارزشی عنصر اخلاقی و فرهنگی نظام اجتماعی و زیر بنای اجتماع است و کار ویژه آن ایجاد مبانی همبستگی اجتماعی است. به باور وی، در درون نظام سیاسی ارزش‌ها و هنجارها، اساس اطاعت سیاسی را تشکیل می‌دهند (بشیریه، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۵)؛ بنابراین حفظ انسجام اجتماعی و به تبع آن، تداوم اقتدار سیاسی به‌طور مستقیم متأثر از نظام ارزشی جامعه است. براین اساس، استحکام ساخت‌درونی نظام به‌طور مستقیم، متأثر از استحکام، انسجام و کارآمدی ارزش‌هایی است که نظام اسلامی مبتنی بر آن‌ها شکل گرفته است و این مهم، در گروهی پایبندی به ارزش‌ها معنا پیدا می‌کند.

به بیان مشخص‌تر، به سبب ماهیت ارزشی نظام جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌ها و هنجارهای زیربنایی این نظام باید، با مبنای عمل قرار گرفتن، پیوسته تولید و بازتولید شوند. دستاورد مهم این فرآیند، بازتولید و تسهیل حکمرانی در داخل و مصون‌سازی نظام در مقابل توطئه‌های خارجی است. در این راستا، مقام معظم رهبری می‌فرماید:

هرچه ما ارزش‌ها را بیشتر پیاده و اعمال کنیم، جامعه اسلامی، عزیزتر خواهد شد ... آن چه می‌تواند شما را موفق کند، کشور را آباد کند، ملت ایران را در صحنه نگه دارد و همه نیروها را در راه این سازندگی مقدس بسیج کند، دو دستی چسبیدن به ارزش‌های اسلامی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186>).

۳. ۱. ۲. استحکام معنویت و روح ایمان و تقوا: استحکام معنویت و ایمان مسئولان و آحاد مردم، از جمله ظرفیت‌های راهبردی نظام در جنگ نامتقارن و به‌مثابه عاملی برای استحکام بخشی است. در نگاه مقام معظم رهبری، استحکام ساخت‌درونی قدرت نظام، در درجه نخست با ایمان حاصل می‌شود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23963>). ایشان در زمینه تأثیر ایمان بر استحکام و قدرت نظام و مسئولان اظهار می‌دارد:

مادامی که شما ایمان و تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید؛ تمام قدرت خدا، تمام نوامیس طبیعت و تمام امکانات یک گروه برگزیده در اختیار شماست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2767>).

۳. ۱. ۳. نفی وابستگی و حفظ استقلال نظام: با توجه به این که گفته می‌شود که در شرایط جهانی شدن با فرآیندی از سیالیّت مرزها و کاهش قدرت حاکمیتی دولت‌های ملی مواجهیم و دیگر استقلال به معنای گذشته رنگ‌باخته است (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۲-۳۲ و شولت، ۱۳۸۳: ۸۲-۶۱)، نظام جمهوری اسلامی بر حفظ استقلال ملی تأکید دارد و آن را یکی از راهبردهای استحکام و کارآمدی در شرایط جهانی شدن می‌داند. در واقع، برخلاف تصور رایج که در نظام بین‌الملل، استقلال دیگر معنایی ندارد، در نظر رهبر انقلاب، حفاظت از مرزهای استقلال کشور در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی- امنیتی و ... یک شرط ضروری برای کشورداری موفق و از شاخص‌های انقلابی‌گری معرفی کرده، به‌ویژه استقلال در بُعد اقتصادی را هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی می‌داند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>). در این دیدگاه، استقلال تنها با تأکید بر ظرفیت‌های درونی و چشم دوختن به استعدادهای بی‌شمار داخل کشور حاصل می‌شود؛ و گر نه، چنان‌چه نگاه به بیرون باشد و ظرفیت‌های بیرونی را محرک رشد و توسعه دانسته شود، نه تنها استقلال اقتصادی حاصل نمی‌شود؛ بلکه با استقلال سیاسی نیز منافات دارد.

۳. ۱. ۴. توجه به نقش و جایگاه مردم: از آنجا که استحکام ساخت‌درون نیازمند وجود عزم جدی در میان مسئولان و مردم است، وجود هماهنگی و همدلی بین این دو بسیار ضروری به

نظر می‌رسد. مقام معظم رهبری، بنای یک نظم مدنی سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی را کار اصلی امام علیه السلام می‌داند:

در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته اساسی وجود دارد که ... دو روی یک حقیقت است. یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و انتخابات و دوم این که این حرکت که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است باید در چارچوب شریعت اسلامی باشد
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615>).

بر اساس این دیدگاه، انقلاب اسلامی با تکیه بر الطاف الهی و حضور مردم در صحنه به پیروزی رسید و تاکنون نیز با تکیه بر همین دو عنصر اصلی توانسته است موانع مختلف را پشت سر گذارد، در آینده نیز می‌بایست همچنان به این دو عنصر اصلی که تشکیل‌دهنده هویت آن می‌باشند، توجه کافی داشته باشد. مقام معظم رهبری، مردم‌گرایی و اعتقاد صادقانه و راسخ به نقش مردم را یک رکن مهم می‌داند. توجه به این مهم، علاوه بر تحکیم ارتباط میان مردم و مسئولین، بخش مهمی از توطئه‌های دشمنان نظام اسلامی برای جدا کردن مردم و مسئولین را خنثی خواهد کرد.

نکته مهم در این زمینه این که در آراء مقام معظم رهبری اعتماد و تکیه حقیقی به جوانان از نمودهای اصلی مردم‌محوری است. ایشان جوانان و استعدادها و ظرفیت‌های بی‌شمار نهفته در آنها را از جمله مهم‌ترین ظرفیت‌های درون‌زای کشور دانسته، تکیه بر این ظرفیت‌ها و نه ظرفیت‌های بیرونی را ضامن کارآمدی نظام اسلامی می‌داند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26388>).

۳. ۱. ۵. **عدالت‌محوری:** عدالت به‌عنوان اصلی انسانی و اسلامی مورد توجه گفتمان اصیل انقلاب اسلامی در امر اداره کشور و از چالش‌های امروز نظام است. در این خصوص، از مؤلفه‌های مؤکد گفتمان انقلاب اسلامی تغییر وضع محرومین و مستضعفین و توجه به توسعه مناطق مختلف کشور و خدمت‌گزاری هرچه بیشتر به مردم است که از وجوه مهم الگوی پیشرفت مورد نظر این گفتمان است.

عدالت‌محوری، با تأکید بر رسیدگی به محرومان و مستضعفان، عامل و راهکار استحکام بخشی به ساخت قدرت درونی نظام است. در این زمینه مقام معظم رهبری تصریح دارد:

جامعه اسلامی با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند ... ولو همه ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است.
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>).

پیامد مهم عدالت‌ورزی، تقویت وحدت و هم‌گرایی ملی است که این در تقویت روح مشترک در میان ملت، تقویت روحیه کار جمعی و ... مؤثر است و از این‌جهت، عنصری استحکام‌آفرین محسوب می‌شود؛ زیرا باعث ایجاد محیطی متعادل، با ثبات و یکپارچه برای دولت می‌شود. در واقع، امروزه از وظیفه «نظامت سرزمین» برای دولت‌ها سخن گفته می‌شود که بعد روانی و معنوی داشته و در سلامت روحی جامعه نقش مهمی دارد و به‌عبارت دیگر، رابطه افراد جامعه را با چارچوب جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنند، به‌صورت پیوندی ارگانیک و عاطفی درمی‌آورد (ر.ک: نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸۲).

۳. ۱. ۶. حمایت از مظلومان و مستضعفان و استکبارستیزی: در نظر رهبر انقلاب، استکبارستیزی از جمله دال‌های حیاتی و مهم گفتمان انقلاب اسلامی است که از یک‌سو عمق راهبردی و ظرفیت الهام‌بخشی در سطح منطقه و جهان را برای نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به ارمغان آورده و از سوی دیگر، با توجه به همین ظرفیت، سبب استحکام مرزهای گفتمانی و امنیتی انقلاب و تمایز آن با گفتمان‌های غیرانقلابی، استعماری و استکباری می‌شود. در واقع، گره خوردن منافع و امنیت مسلمانان سایر کشورها، با افزایش ضریب امنیت و قدرت کشور در فضای بین‌الملل، نقشی بازدارنده در برابر تهدیدهای دشمنان برای جمهوری اسلامی داشته است. این فریضه، در دو وجه سلبی و ایجابی در توسعه عمق راهبردی جمهوری اسلامی و الهام‌بخشی آن مؤثر بوده است؛ دور راندن تهدیدات از مرزهای کشور و توسعه مرزهای امنیتی کشور به کیلومترها آن‌طرف‌تر از مرزهای سرزمینی ایران، کار ویژه سلبی و افزایش توانایی‌های کشور نیز جنبه ایجابی این قضیه است (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۶).

۳. ۱. ۷. جهاد کبیر: جهاد کبیر علاوه بر اینکه یکی از مؤلفه‌های اصلی در سیاست‌گذاری و تعیین جهت‌گیری‌های نظام اسلامی است، یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش این نظام است. بر همین اساس، می‌توان گفت که استکبار با اتخاذ راهبرد پیچیده، نامرئی، چندبُعدی و پنهانی نفوذ درصدد است تا ضمن تغییر در جهت‌گیری‌های نظام اسلامی، ساخت حقیقی و هویت این نظام را نیز مورد هجوم خود قرار دهد؛ بنابراین یکی از نقاط هدف دشمن در نفوذ، تلاش برای خدشه‌دار

کردن جهاد کبیر نظام اسلامی است؛ زیرا دشمن در نفوذ به محیط درونی و حصار امن جمهوری اسلامی ایران در پی آن است که با تغییر باورهای مردم و همچنین تغییر محاسبات مسئولان، ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی را به ساحتی عرفی، مانند سایر نظام‌های سیاسی حاکم بر دنیا، تبدیل کند که در آن صورت دیگر، خبری از مقاومت و ایستادگی در مقابل خواسته‌های استکبار نخواهد بود.

بنابراین، سؤال این است که برای مقابله با نفوذ چه باید کرد؟ «جهاد کبیر» به معنای عدم تبعیت از دشمن، نسخه‌ی مقابله با این نقشه شوم دشمن است. در واقع، همان‌گونه که دشمن با امید بستن به تبعیت‌پذیری برخی نخبگان، امیدوار است که نظام اسلامی را به اسارت تبعیت از خود درآورد، نسخه‌ی مقابله با این شیوه‌ی دشمنی، حفظ حساسیت‌ها نسبت به دشمن، او را دشمن دانستن و عدم تبعیت از او و مبارزه‌ی عملی با او در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است که «جهاد کبیر» نامیده می‌شود ([http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172)).

۳. ۱. ۸. تکامل‌گرایی و پیش‌روندگی: پیشرفت، تحول و تکامل‌گرایی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیانگر این است که چه در ساحت خرد و چه در ساحت کلان، انقلاب نمی‌تواند نظاره‌گر رکود و ایستایی و بی‌حرکی باشد. در واقع، اصلاح‌طلبی اصول‌گرایانه و اصول‌گرایی اصلاح‌طلبانه در متن و ذات انقلاب اسلامی نهفته است و تمامی معتقدان به مبانی این انقلاب و نظام برآمده از آن باید ضمن اعتقاد راسخ و عملی به مبانی انقلاب و اصلاح‌گرایی در تمامی ابعاد و ساحت‌ها، این اصلاح را بر مبانی اصول و در جهت تقویت اصول تعریف کنند، به‌گونه‌ای که هم از واپس‌گرایی و تحجر به دور باشد و هم از افراط و رویکرد به سکولاریسم مصون باشد. اقدام و عمل با این‌گونه نگاه و هدفی، استحکام‌بخش به ساخت حقیقی نظام و عامل پویایی آن است.

۳. ۲. استحکام ساخت حقوقی

منظور از ساخت حقوقی از دیدگاه مقام معظم رهبری، کلیت ساختارهای نظام است؛ اعم از ساختارهای هنجاری و حقوقی مانند قانون اساسی و ساختارهای مادی و اداری مانند قوای سه‌گانه و سایر دستگاه‌ها؛ بنابراین در اینجا استحکام‌بخشی ساختاری مدنظر است. یک ساختار زمانی استحکام‌یافته تلقی می‌شود که علاوه بر دارا بودن قابلیت هماهنگی و همگامی با تحولات

و تغییرات، در راستای تأمین نیازها و انتظارات نیز تغییر کند. به بیانی، ساختارها به منظور این که از عهده تأمین اهداف، نیازها و انتظاراتی که متوجه آنهاست برآیند، می‌بایست در مقابل تغییرات و تحولات زمانه از قدرت انعطاف برخوردار باشند، به گونه‌ای که نه تنها نسبت به تحولات بی‌توجه نباشند؛ بلکه برای مدیریت این تحولات مجهز به سازوکارهای خود تقویت‌کننده و در صورت لزوم اصلاح‌گر باشند (قیصری، قربانی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۳۹). از این رو، بیان مؤلفه‌های استحکام نظام‌های سیاسی در سطح ساختار معطوف به عملیاتی شدن و تأمین این مهم است. ساختارها را نیز می‌توان به سه دسته سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم کرد؛ اما در اینجا هم به منظور رعایت اختصار و هم به سبب دشوار بودن تفکیک ساختارها، نگاهی کلی به ساختارها داریم و در بحث راه‌کارهای استحکام‌بخشی، به مجموع آن‌ها نظر داریم. بر این اساس، مهم‌ترین راهبردهای استحکام‌بخشی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح ساختاری - حقوقی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۳.۲.۱. کاهش وابستگی به نفت: به دلیل وابستگی بودجه کشور به نفت، ایران در معرض پیامدها و تبعات وابستگی به رانتهای نفتی قرار دارد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۳).^۱ تبعات وابستگی کشور به رانت نفتی که عمدتاً در ضدیت با مقوله تقویت ساخت درونی قرار دارند، ضرورت عدم وابستگی به نفت را به خوبی گوشزد می‌کند. در این راستا، به‌طور مثال می‌توان دو پیامد مهم وابستگی به رانت (اقتصاد رانتیر و ذهنیت رانتیر) را توضیح داد. بدین معنا که در اقتصادهای رانتیر چون زمینه چندان برای رونق فعالیت‌های مولد فراهم نیست، بنابراین انجام فعالیت‌های مولد سود چندان را نصیب تولیدکنندگان نمی‌کند؛ بلکه دستیابی به سودهای کلان در این نوع اقتصادها بیشتر با انجام فعالیت‌های غیرمولدی مانند دلالی و واسطه‌گری حاصل می‌شود؛ بنابراین در جوامع رانتیر آنچه رونق می‌یابد، فعالیت‌های واسطه‌گری است و آنچه به حاشیه می‌رود، فعالیت‌های مولد اقتصادی است. در ذهنیت رانتیر نیز انتظارات فراوانی از سوی مردم متوجه حکومت می‌شود و آنان به‌نوعی خود را نسبت به حکومت طلبکار می‌دانند و این در حالی است

۱. افزایش استقلال دولت از جامعه، تشدید روحیه رانت‌جویی و مصرف‌گرایی، ترویج و رونق فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری به جای تقویت بخش‌های مولد در حوزه اقتصاد یا به عبارت دقیق‌تر، شکل‌گیری اقتصاد رانتیر و ذهنیت رانتیر و... از جمله پیامدهای وابستگی به رانتهای نفتی است (ر.ک: میرترابی، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۲).

که ذهنیت متناسب با تقویت ساخت‌درونی آن است که شهروندان، منافع عمومی و ملی را مقدم بر منافع فردی بدانند.

از نگاهی دیگر، وابستگی ساختارهای کشور به رانت‌های نفتی که اتفاقاً از دنیای خارج تأمین می‌شود و از این جهت، کشور و ساختارها را وابسته به خارج می‌کند، سبب می‌شود که تغییر و تحول ساختارها و سوق یافتن آن‌ها به سمت تحرک، پویایی، چالاک‌ی و کارآمدی به‌کندی پیش برود. بر این اساس، تا زمانی که کلیت ساختارها وابسته به تزریق رانت‌های نفتی است، استحکام ساختاری مطلوب شکل نخواهد گرفت. با این حال، مسئله اصلی، چگونگی خروج از این وابستگی است. در این خصوص باید گفت که درآمد نفت فی‌نفسه یک ظرفیت است؛ اما نعمت یا نعمت بودن آن، به نحوه استفاده از آن بستگی دارد؛ بنابراین برای مصون ماندن از تبعات وابستگی به نفت باید نحوه استفاده از درآمدهای نفتی را بهینه کرد. بدین معنا که درآمد نفت بیش از هر چیزی صرف توسعه زیرساخت‌های توسعه اقتصادی شود نه صرف تأمین هزینه‌های مصرفی جاری. به سبب وابستگی عمیق ساختارهای کشور به نفت، تلاش برای کاهش این وابستگی، باید تدریجی صورت گیرد.

۲.۲.۳. تولید علم بومی و معطوف به حل مسئله: مسئله علم یکی از عناصر فصلی برای تقویت ساخت‌درونی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23175>). از دیدگاه مقام معظم رهبری، جایگاه علم در استحکام ساخت‌درونی از آنجاست که علم به‌عنوان مقوله‌ای بنیادین می‌تواند نقش قوام‌بخشی برای سایر بخش‌های جامعه داشته، زمینه‌ساز پیشرفت همراه با عدالت و معنویت باشد و نظام اسلامی را در تحقق اهداف متعالی خود یاری سازد؛ بنابراین ایشان خواهان آن نوع پیشرفت علمی هستند که مطابق با بنیان‌های جامعه خودی و هویت اسلامی-ایرانی مردم این سرزمین باشد. باور به قابلیت عملی بودن پیشرفت علمی، تبدیل علم‌گرایی و علم‌محوری به گفتمان مسلط جامعه، آشنایی با میراث علمی کشور، کشف و استفاده از راه‌های میانبر در پیشرفت علمی، علم‌آموزی از دنیا در عین اتکا به نیروهای خودی و نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مهم‌ترین راهبردهای مقام معظم رهبری برای مسئله پیشرفت علمی است (رک: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۹۰ و مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۰).

۳.۲.۳. پرهیز از رویکرد جناحی و حزبی در اداره امور کشور: گفتمان اصیل انقلاب اسلامی،

ماهیت حکومت در اسلام را خدمتگزاری به مردم می‌داند و بر آن است که برای تحقق هر چه بهتر این مهم می‌بایست، بدون توجه به وابستگی‌های حزبی و جناحی، از ظرفیت تمامی نیروهای مؤمن و معتقد به اصول و مبانی انقلاب اسلامی استفاده شود تا آنان به‌سوی عملکرد واگرایانه کشیده نشوند و از ظرفیت آن‌ها برای تقویت کشور و خدمت‌گزاری هر چه بیشتر به مردم استفاده شود. مقام معظم رهبری در این زمینه اظهار می‌دارند:

... ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند؛ البته ما هرکدامان دل‌بستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ در زمینه سیاسی، در زمینه مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، این‌ها همه حاشیه است. متن، عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد. وقت محدود است.
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>)

۴.۲.۳. مدیریت جهادی: کارآمدی و توفیق هر دولتی در اداره جامعه را بر اساس سه مؤلفه

اهداف، امکانات و موانع موجود می‌سنجند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۰۹). در تطبیق این مؤلفه‌ها با شرایط نظام باید گفت که جمهوری اسلامی از یک‌سو دارای اهداف بلند ملی و فراملی است، به‌گونه‌ای که علاوه بر توفیق در اداره حیات مادی جامعه به تربیت و پرورش فضیلت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی توجه دارد و از سوی دیگر با موانع فراوان داخلی و خارجی و امکاناتی محدود (با توجه به تحریم‌های ظالمانه) مواجه است (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24963>)؛ بنابراین با حرکت و تلاشی عادی و معمولی، توانایی و سرعت عمل این نظام در تحقق اهدافش، کند خواهد بود. اینجاست که ضرورت مدیریت جهادی مطرح می‌شود که عبارت است از مدیریتی که در شرایط کمبود و وجود موانع متعدد، با احساس تکلیف و تعهد انقلابی بتواند کارآمدی خود را در اداره جامعه ثابت کند. از این جهت می‌توان مدیریت جهادی را از جمله ظرفیت‌های درون‌زای نظام اسلامی دانسته و به‌عنوان راه حل اصلی مشکلات کشور در شرایط تحریم، تهدید و فشار به حساب آورد (قربانی، ۱۳۹۲).

۵.۲.۳. تعامل و جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی برای تقویت ظرفیت‌های داخلی کشور:

ایده استحکام‌بخشی ساخت‌درونی در عین اولویت قائل شدن برای ظرفیت‌های درونی و تقویت آن‌ها، خواهان انزوا نبوده و تعامل با دنیای خارج، برای جذب سرمایه‌ها و ظرفیت‌های نهفته در نظام

بین‌الملل را لازمه استحکام‌بخشی درونی می‌داند. عبارت اخری این مهم، برون‌نگری در توسعه اقتصادی است. توضیح آن که گفتمان انقلاب اسلامی، علی‌رغم رویکرد انتقادی به نظام بین‌الملل و تأکید بر اولویت قائل شدن برای ظرفیت‌های درون‌زای داخلی جهت تحقق توسعه، نفی خشن قواعد بین‌المللی را مدنظر نداشته؛ بلکه بازیگری مستقل در این نظام را مدنظر دارد و در عین حال، معتقد به استفاده از تجربیات و ظرفیت‌های جهانی است. به تعبیری، در شرایطی که جهانی‌شدن، پارادایم حاکم بر توسعه فرض می‌شود، جمهوری اسلامی ایران بر استحکام‌بخشی ساخت‌درونی تأکید دارد که می‌توان آن را ایده‌ای برای توسعه و کارآمدی در شرایط جهانی‌شدن دانست.

۳. ۲. ۶. **گفتمان‌سازی:** در دیدگاه رهبری، برای استحکام‌بخشی به ساخت‌درونی، گفتمان‌سازی یک راه‌کار و ضرورتی اساسی است. بایستی با ترویج و تبیین ضرورت این موضوع در این برهه از زمان برای کشور و طرح آن در فضای عمومی جامعه، گفتمان تقویت ساخت‌درونی نظام شکل بگیرد. افزایش آگاهی عمومی در هموار کردن مسیر حرکت به سمت وضع مطلوب و تبدیل تقویت ساخت‌درونی به مطالبه عمومی و چارچوبی عمل مسئولین دارای اهمیت است. بنا بر اندیشه رهبر انقلاب، از جمله موارد، گزاره‌ها و دال‌هایی که در این گفتمان‌سازی باید مورد تأکید قرار گیرد، تقویت ایمان و سرلوحه قرار دادن تقوا در همه زمینه‌ها، سازش‌ناپذیری در مقابل استکبار جهانی، روی آوردن به درون و اتکا به ظرفیت‌های داخل کشور، تقویت نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، جهاد کبیر در مقابل دشمنان و حفظ استقلال نظام در دنیای متلاطم کنونی، مدیریت جهادی، خودداری از سیاسی‌کاری، اصلاح سبک زندگی و پرهیز از مصرف‌گرایی و ... است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استحکام‌بخشی ساخت‌درونی را می‌توان رهیافتی دانست که از سوی مقام معظم رهبری در پاسخ به دیدگاهی که معتقد است برای کارآمدی نظام چاره‌ای جز ادغام در نظام جهانی سرمایه‌داری و اتصال و ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته غربی نداریم، مطرح شد. در واقع، این ایده از یک‌سو برای مدیریت تبعات مواجهه کشور با امواج جهانی‌شدن و به‌منظور تضمین تعادل و پایداری سیستم داخلی در مواجهه با این امواج ارائه شد و از سوی دیگر، مدعی الگویی برای استحکام و تداوم کارآمدی نظام در شرایط مذکور است. مجموعه تئوری‌پردازی‌ها و تلاش‌هایی که برای موجه

جلوه دادن نگاه به بیرون و ادغام در فرایندهای جهانی شدن صورت می‌گیرد، حول مسئله کارآمدی نظام بوده است. به عبارت دیگر، دیدگاه برون‌گرا همواره به این حربه متوسل می‌شود که آن‌ها نیز دغدغه کارآمدی نظام را دارند؛ در صورتی که در چارچوب گفتمان رهبر انقلاب، ارزش‌هایی همچون هویت اسلامی ایرانی، استقلال ملی و عزت اسلامی، جهت‌دهنده و مشخص‌کننده کیفیت تحقق کارآمدی هستند؛ این ارزش‌ها هستند که اصالت و اعتبار حقیقی دارند و اگر از اهمیت کارآمدی بحث می‌شود، این بدان معنا نیست که کارآمدی اصالت حقیقی دارد؛ بلکه به دلیل نقشی است که می‌تواند در استقرار ارزش‌های بومی داشته باشد؛ بنابراین در چارچوب این گفتمان: اولاً؛ کارآمدی، اساساً با نگاه به درون و تقویت ظرفیت‌های درون‌زای داخلی تعریف می‌شود؛ ثانیاً؛ تحقق هر چه بیشتر کارآمدی باید بتواند منجر به تقویت ارزش‌های اسلامی ایرانی و ساری و جاری شدن هر چه بیشتر آن در جامعه و در نظام بین‌الملل شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۸)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ ششم، قم: دارالبشارة.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.
- امام خمینی علیه السلام، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی)، چاپ چهارم، تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، چاپ هشتم، تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ چهاردهم، تهران: نی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی ایران (ویراست چهارم)، چاپ چهل و چهارم، قم: نشر معارف.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- شولت، یان آرت (۱۳۸۳)، «جهانی‌شدن سیاست»، در: بیلیس، جان، اسمیت، استیو (ویراسته)، جهانی‌شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و همکاران، تهران: ابرار معاصر، ص ۸۲-۶۱.
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۲)، مدیریت جهادی؛ ضرورت و الزامات آن، در: www.basirat.ir.
- _____ (۱۳۹۵)، ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، تهران: ناد.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).
- قیصری، نوراله، قربانی، مصطفی (۱۳۹۴)، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، شماره ۲۲، پائیز و زمستان، ص ۱۴۱-۱۳۹.
- لیبزیگر، دنی (۱۳۷۵)، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه غلامعلی فرجادی و دیگران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم (۱۳۹۰)، روش‌های علم، چاپ دوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- میرترابی، سعید (۱۳۸۷)، مسائل نفت ایران، چاپ چهارم، تهران: قومس.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی رحمته‌الله (۱۳۹۰)، منشور حرکت؛ رسالت اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها از منظر مقام معظم رهبری، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- هتته، بزورن (۱۳۹۲)، تئوری توسعه و سه جهان، ترجمه سیداحمد موثقی، چاپ سوم، تهران: قومس.